

# نگاهی به زندگی، نظرات و اقدامات حجة الاسلام سید محمدباقر شفتی (ره)



سید محمود سادات بیدگلی\*

## مقدمه

حکومتی جائز و ستمگر نبوده و برقرار کننده نظم و امنیت در جامعه باشد، می‌توان با آن همکاری نمود. و همچنین بر شیعی بودن حکومت هم تأکید زیادی داشتند. گذشته از این بنا به قولی «کار عمده عالمان دین عصر صفوی توضیح مذهب تشیع در درجه نخست و پایمال‌سازی مذهب تسنن و سپس سرکوبی

اندیشه علمای شیعه در باب حکومت بر این پایه استوار است که امر اداره جامعه بعد از پیامبر به استناد آیه اولی الامر<sup>۱</sup> به ائمه شیعه اثنی عشری می‌رسد و با توجه به غیبت امام دوازدهم شیعیان و بیان توقیعی<sup>۲</sup> از آن حضرت مبنی بر اینکه در زمان غیبت کبری و در حوادث روزگار به روایان احادیث ما رجوع کنید و حضرت صاحب الامر (عج) علما را حجت خود بر مسلمین می‌داند، علما امر اداره حکومت را در دایره وظایف خود دانسته، هرگونه حکومت دیگر را غیر مشروع می‌دانند.

\* - دانشجوی کارشناسی ارشد گروه تاریخ  
۱- آیه «یا ایها الذین امنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم».

۲- فأما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة احادیثنا فانهم حجتی علیکم و انا حجة الله. و اما در مورد حوادث واقعه رجوع کنید به روایان احادیث ما، چرا که ایشان حجت و دلیل من بر شما هستند و من حجت خدا هستم. در رجوع به علمای دین حدیثی از امام صادق (ع) نقل شده که: من کان منکم ممن قد روی حدیثنا و نظر فی حلالنا و حرامنا و عرف احکامنا فلیرضوا به حکماً فانى قد جعلته علیکم حاکماً. کسی از شما احادیث ما را روایت کرده و در حلال و حرام ما نظر افکنده و احکام ما را شناخته است پس به داوری او باید راضی بشوند همانا من او را برای شما قاضی قرار دادم.

عدم مشروعیت حکومت‌های قبل از صفویه طبق نظر برخی از علمای شیعه محرز بوده تا به سال ۹۰۷ ه. ق که صفویان روی کار آمدند، مذهب تشیع را مذهب رسمی ایران اعلام نمودند، در این زمان علمای شیعه با توجه به نظرشان در باب مشروعیت حکومت به دو دسته تقسیم شدند: دسته‌ای نظر قبلی را اعلام داشته، بر عدم مشروعیت حکومت تأکید می‌کردند، اما در اقلیت بودند. دسته دوم که اکثریت علمای این عصر را تشکیل می‌دادند به نظر دیگری رو آوردند که اگر

حجة الاسلام به آن دسته از عالمان دین تعلق دارد که معتقد بودند حکومت، خاص حضرت مهدی (عج) می باشد و بعد از غیبت آن حضرت، امر اداره جامعه را در دایره وظایف خود می دانستند و بر عدم مشروعیت حکومت غیر از این، پای می فشردند. لذا شفتی مشروعیتی برای قاجارها قایل نبود و با گفتار و رفتار خود عدم مشروعیت حکومت قاجارها را به آنها گوشزد می کرد.

نجفی از شاه پیش از آنکه به عنوان جواز مشروعیتی برای سلطنت قاجاریان توسط عالمان باشد بر نقش عالمان به عنوان سرچشمه مشروعیت بر طریق عقیده نیابت عامه تأکید دارد.<sup>۴</sup>

همزمان با روی کار آمدن قاجاریه، پیروزی مکتب اصولی بر اخباری رخ داد که به وسیله محمدباقر بهبهانی مشهور به وحید به انجام رسید. در این زمان علمای اصولی بسیار قدرتمندی در حوزه ها حضور داشتند و به وسیله اصل اجتهاد با اکثریت مقلدین خود در ارتباط بودند و مقلدین بیش از آنکه از شاه اطاعت کنند، تابع نظرات مرجع تقلید خود بودند. سیدمحمدباقر شفتی یکی از علمای قدرتمند و با نفوذ زمان فتحعلی شاه و محمدشاه قاجار بود. در این مختصر سعی شده است به نظرات و اقدامات وی پرداخته شود.

#### شفتی کیست

محمدباقر به سال ۱۱۷۵ ه. ق در قریه ای از قرای طارم علیا به نام چرزه در ۶۰ کیلومتری شفت در یک خانواده روحانی از طبقات متوسط به دنیا آمد. تا ۷ سالگی در چرزه ساکن بود. وی به سال ۱۱۸۲ ه. ق به همراه پدر و مادر به شفت مهاجرت می کند.<sup>۵</sup>

محمدباقر تا سال ۱۱۹۲ ه. ق در شفت به تحصیل مقدمات دروس حوزوی می پردازد. از استادان این دوره تحصیلی وی، اطلاع دقیقی در دست نیست، اما از روی

تصوف بود.<sup>۳</sup> مساعی حکومت در سرکوبی تسنن و تصوف و حمایت و ارادت شاهان صفوی نسبت به تشیع و علمای شیعه، مشروعیت حکومتشان را تحت الشعاع قرار می داد. صفویان نیز با ادعای اینکه از نسل ائمه شیعه هستند خود را مصداق اولی الامر می دانستند.

با سقوط اصفهان به دست افغانهای سنی مذهب، بحث مشروعیت حکومت آنها مطرح شد و افغانها برای کسب مشروعیت در صدد برقراری رابطه با عثمانی ها برآمدند. بحث مشروعیت و عدم مشروعیت حکومت در زمان نادرشاه نیز مطرح شد، اما مشروعیت نادر به شمشیرش بود نه به واسطه علما و حمایت از مذهب تشیع و سایه شمشیر نادری عدم مشروعیتش را می پوشاند. دامنه این بحث به عصر زندیه نیز کشیده شد. چنانکه کریم خان، شخصی را از اعقاب صفویه در آباده به تخت نشانند. از اینکه خود را شاه بنامد ابا کرده و ترجیح داد لقب وکیل الرعایا را انتخاب کند. کریم خان عدم مشروعیت حکومتش را از طریق مشروعیت ایلی که از آن برخوردار بود، برطرف کرد.

در اوایل دوره قاجاریه به علت عدم وجود آرامش و امنیت در کشور، مجالی برای این بحث نبود. با روی کار آمدن فتحعلی شاه و ایجاد آرامش و ثبات نسبی در کشور، مسأله مشروعیت حکومت به طور مشخص مطرح می شود. فتحعلی شاه سعی کرد برای خود مشروعیت دست و پا کند؛ لیکن نه زور نادری را داشت و نه نسب نامه صفویان را. از این جهت کشمکش با علما درمی گیرد. طی این دوران، قدرت علمای اصولی به علت پیروزی مکتبشان بر اخباری، به اندازه ای زیاد شد که «سلطنت فتحعلی شاه دومین پادشاه قاجار را شیخ جعفر نجفی یکی از علمای مشهور زمان تأیید کرد و او [شاه] را به عنوان نایب خود دانست [البته] این تأیید

۳- حامد الگار. دین و دولت در ایران (نقش علما در دوره قاجاریه)، ترجمه ابوالقاسم سزّی، چاپ دوم، طوس، تهران، بهار ۱۳۶۹، ص ۵۸.

۴- دین و دولت در ایران، صص ۴۸ و ۴۹.

۵- مصلح الدین مهدوی، بیان المفاخر، ج ۱، انتشارات مسجدسید اصفهان، چاپ اول، اصفهان، ۱۳۶۸، ص ۲۵.

## حکومت از نگاه حجة الاسلام شفتی

حجة الاسلام به آن دسته از عالمان دین تعلق دارد که معتقد بودند حکومت، خاص حضرت مهدی (عج) می باشد و بعد از غیبت آن حضرت، امر اداره جامعه را در دایره وظایف خود می دانستند. و بر عدم مشروعیت حکومت غیر از این، پای می فشردند. لذا شفتی مشروعیتی برای قاجارها قایل نبود و با گفتار و رفتار خود عدم مشروعیت حکومت قاجارها را به آنها گوشزد می کرد.

در سفری که فتحعلی شاه به اصفهان داشت از شفتی می خواهد تا از وی چیزی طلب کند، سید حجة الاسلام اظهار می دارد که احتیاج به چیزی ندارد. و با اصرار شاه، سرانجام از وی می خواهد نقاره خانه دولتی را که نشانه دولت و پادشاهی است در اصفهان تعطیل کند و شاه از این تقاضا خشمگین می شود.

شفتی با این تقاضا اساس دولت و سلطنت فتحعلی شاه را زیر سؤال می برد؛ زیرا هیچ گونه مشروعیتی برای حکومت کردن خاندان قاجار نمی توانست در نظر گیرد. یا هنگامی که پیشنهاد امامت جمعه تهران از طرف فتحعلی شاه مطرح می شود، آن را

۶- محمد شریف رازی. گنجینه دانشمندان، ج ۵، چاپخانه

پیروز، قم، زمستان ۱۳۵۳، ص ۳۸۱.

۷- مصلح الدین مهدوی، تذکرة القبور، کتابفروشی ثقفی اصفهان، اصفهان، ۱۳۴۸، ص ۱۹۴.

۸- میرسید علی بن محمدعلی اصفهانی از علمای معروف عتبات که در علم مناظره و جدل بسیار قوی بود.

۹- سیدمحسن بن حسن اعرجی کاظمینی معروف به مقدس اعرجی متوفای ۱۲۲۷ ه. ق.

۱۰- میرزای قمی ۱۲۳۱-۱۱۵۰ ه. ق.

۱۱- محسن الامین، اعیان الشیعه، حقیقه و اخرجه حسن الامین، الجزء الرابع و الاربعون، مطبعة الانصاف، بیروت، ۱۹۵۹، الصفحة ۱۱۱.

۱۲- تا زمان فوت شفتی لقب حجة الاسلام فقط مختص به ایشان بود و کس دیگری این لقب را نداشته است همچنانکه منظور از حجة الاسلام در اهل سنت غزالی می باشد.

۱۳- عباس قمی، فوائد الرضویه فی احوال علماء المذهب الجعفریه، کتابفروشی مرکزی، تهران، ۱۳۲۷، ص ۴۲۸.

۱۴- همان.

۱۵- محمدباقر الموسوی الخوانساری اصفهانی، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، مکتبه اسماعیلیان، قم، بی نا، الصفحة ۱۰۴.

قراین می توان اولین معلم وی را پدر روحانی اش دانست. محمدباقر بعد از کسب مقدمات، جهت تحصیل علوم حوزوی روائه عتبات عالیات می شود، زیرا این مقطع از تاریخ ایران یعنی دوره هرج و مرج بعد از مرگ کریم خان زند، محیطی نبود که علما بتوانند در آن به درس و بحث بپردازند و اکثراً به عتبات که نسبت به بقیه نقاط ایران کمتر در خطر تاخت و تاز و جنگ و گریز قرار داشت، مهاجرت می کردند و به تبع آنها، شاگردان و طلاب نیز برای فراگیری علوم حوزوی به عتبات می رفتند. در هشت سالی که محمدباقر در عتبات بود، در کربلا به درس محمدباقر بهبهانی مشهور به وحید پیوست و از درس علامه سیدعلی صاحب ریاض استفاده می کرد.<sup>۶</sup>

شفتی بعد از بازگشت به ایران در سال ۱۲۰۴ ه. ق، در قم محضر میرزا ابوالقاسم قمی را به مدت شش ماه درک کرده، در کاشان به درس ملامهدی نراقی حاضر شده است.<sup>۷</sup> در اعیان الشیعه در مورد استادان شفتی آمده:

فقید امام رئیسی [شفتی] به خاطر طلب دانش از اصفهان سوی عراق مهاجرت کرد. در نجف از بحرالعلوم طباطبایی و در کربلا از صاحب ریاض<sup>۸</sup> و در کاظمین از صاحب المحصول<sup>۹</sup> کسب علم کرده و در بازگشتش به ایران و عبور از قم از صاحب قوانین الاصول<sup>۱۰</sup> کسب فیض کرده است.<sup>۱۱</sup> حجة الاسلام<sup>۱۲</sup> شفتی بعد از کسب علوم حوزوی از محضر استادان حوزه های مختلف، به سال ۱۲۱۶ یا ۱۲۱۷ ه. ق به اصفهان وارد شد. در مدرسه چهارباغ سکونت گزیده به تدریس پرداخت، ولی به دستور متولی مدرسه، میرزا محمدرضا مدرس خاتون آبادی از مدرسه اخراج شد.<sup>۱۳</sup>

سید حجة الاسلام در بدو ورود به اصفهان بسیار فقیر بود. به طوری که غیر از یک جلد کتاب و سفره نان چیزی نداشت.<sup>۱۴</sup> فقر شفتی در بدو ورود به اصفهان با توجه به تمکن مالی که بعداً کسب می کند، نشان می دهد وی ثروتش را از هنگام ورود به شهر اصفهان تا آخر عمر به دست آورده است. سیدشفتی بعد از اخراج از مدرسه چهارباغ، خانه ای در محله قبله دعا خرید و تا آخر عمر در آن خانه به سر برد. سید محمدباقر بعد از عمری پربرتک و کار و تلاش در راه برقراری دین خدا دارفانی را وداع گفت. وفات وی به علت مرض استسقاء در بعد از ظهر روز یکشنبه دوم ماه ربیع الاول سال ۱۲۶۰ ه. ق روی داد.<sup>۱۵</sup>

رد می‌کند. اجرای حدود شرعی به دست شفتی هم بیانگر تفکر اداره امور جامعه توسط علما می‌باشد و وقتی با اعتراض حکومت مواجه می‌شود که چرا احکام را خود او اجرا کرده، به حکومت بی‌توجه است، اگرچه در جواب می‌گوید: اجرای احکام خدا را نمی‌توان با این عناوین به تأخیر انداخت که «حکم مجتهد به شما برسد یا نرسد، شما دستور اجرای آن را بدهید یا ندهید، پس از آن مأمورین حکومتی این حکم را اجرا کنند یا نکنند».<sup>۱۶</sup> اجرای حدود به وسیله حجة الاسلام ناشی از ولایت او بر مسلمین بنا بر اصل نیابت عامه بوده است. نگرش علمی به مسأله اجرای حدود وی باید با توجه به این اصل باشد نه با نگرشی که متأسفانه از طرف فرد فرهیخته‌ای چون استاد عباس اقبال صورت گرفته و ایشان در مجله یادگار اجرای حدود به دست شفتی را قساوت و سنگدلی می‌خواند.<sup>۱۷</sup>

### رابطه محمدشاه با شفتی

محمدشاه قاجار بعد از رسیدن به سلطنت به مخالفت با شفتی پرداخت. دلیل مخالفت شاه را در وجوه زیر می‌توان ذکر کرد:

۱- پنهانده شدن مخالفان شاه به شفتی و حمایت وی از آنان. از مخالفان شاه قاجار که به شفتی پنهانده شدند می‌توان از عبدالله‌خان امین‌الدوله فرزند حاج محمدحسین خان صدر نام برد؛ وی از ابتدا با ولیعهدی و بعداً با سلطنت محمدشاه مخالفت می‌کرد و با پادشاهی حسینعلی میرزا فرمانفرما موافق بود. امین‌الدوله بعد از تاجگذاری محمدشاه به خانه شفتی پنهانده شد. قائم مقام که در کشتن مخالفان محمدشاه دستی قوی داشت، نامه‌ای به شفتی نوشته، دو راه پیشنهاد می‌کند: «بالجمله باز آنچه در باب مصلحت حکومت و آسودگی او به خاطر می‌رسد همین است که به خدمت ما در طهران یا به طاعت خدا در عتبات بپردازد»<sup>۱۸</sup> و از شفتی می‌خواهد او را از نزد خود براند ولی وی نمی‌پذیرد و به حمایت از امین‌الدوله ادامه می‌دهد تا اینکه سرانجام در زمان صدارت حاج میرزا آقاسی و با وساطت سر جان مکنیل، امین‌الدوله به عتبات می‌رود. ۲- از دلایل دیگر مخالفت محمدشاه با سید حجة الاسلام، دارایی و نفوذ او در منطقه مرکزی ایران به خصوص اصفهان بود و هرگاه موقعیتی برای شاه فراهم می‌شد، پول کلانی از شفتی به عناوین مختلف می‌گرفت. تنکابنی در ذیل

مسافرت سال ۱۲۵۷ ه. ق محمدشاه به اصفهان می‌نویسد: «محمدشاه به اصفهان آمد و زیاده از سی هزار تومان به آن جناب [شفتی] ضرر وارد آمد».<sup>۱۹</sup> ۳- علت دیگر مخالفت و دشمنی محمدشاه با شفتی، مسأله اجرای حدود بود و شاه به حجة الاسلام فشار می‌آورد که چرا احکام را خود اجرا می‌کند و اجرای آن را به حکومت واگذار نمی‌کند. برای توضیح عمل شفتی باید ذکر کنیم در دوره قاجاریه دو دسته محاکم در ایران وجود داشت؛ یک دسته محاکم شرع که به حکم علما اداره می‌شد و دسته دوم محاکم دولتی که احکام مربوط به حقوق دولت و ملت را رسیدگی می‌کرد. «محاکم شرع از این حیث که نمی‌توانستند تصمیم‌هایشان را به مورد اجرا بگذارند قدرت چندانی نداشتند، زیرا که آرای صادر شده از سوی محاکم شرع به دست داروغه یا کدخدا اجرا می‌شد و دادن رشوه به این دو، ممکن بود هر حکمی را انگار نه انگار کند».<sup>۲۰</sup> شفتی نیز برای جلوگیری از این مسأله احکام را خود صادر کرده، اجرا می‌نمود و این عمل از طرف حکومت با واکنش مواجه می‌شد و رابطه حکومت را با وی تیره می‌ساخت.

### اجرای حدود (تلور عینی حکومت فقهی شیعه)

با روی کار آمدن بعضی از سلسله‌ها و حکام و عدم تقید انسان به مسائل و مبانی شرع مسبین، لاقیدی و بی‌بند و باری در جامعه حاکم شده، اجرای احکام و حدود الهی حالت تعطیل به خود گرفته بود. در این وضعیت، علمای دین نیز نمی‌توانسته‌اند به اجرای حدود الهی بپردازند. اما وقتی مجتهدی بزرگوار و فقیهی مقتدر و مبسوط‌الید در مملکت اسلامی صاحب قدرت و نفوذ گردید که می‌تواند احکام خداوند را اجرا کند، بر او واجب است به وظیفه شرعی خود عمل نماید.<sup>۲۱</sup> سید حجة الاسلام عقیده داشت اقامه حدود در زمان غیبت امام زمان (عج) بر مجتهدین واجب است و

۱۶. بیان‌المفاخر، ص ۱۲۰.

۱۷. مجله یادگار، سال پنجم، شماره دهم، صفحه ۴۲ به بعد. همان.

۱۹. میرزا محمد تنکابنی، قصص العلماء، انتشارات علمیه اسماعیلیه، بی‌تا، ص ۱۶۷.

۲۰. دین و دولت در ایران، صص ۳۶ و ۳۷.

۲۱. بیان‌المفاخر، ص ۱۵۳.

می فرمود حکم مجتهد در این قبیل موارد همانند حکم امام زمان (عج) می باشد. وی رساله‌ای به نام وجوب اقامة حدود در زمان غیبت بر فقها و مجتهدین نوشت که نشان‌دهنده دیدگاه وی نسبت به اجرای حدود می باشد و خود او هم بر اجرای حدود الهی اصرار داشت و هیچ مجرمی را بدون کیفر شرعی رها نمی کرد. حتی چندین مرتبه برای این کار با مشکلاتی روبه‌رو شد چنانکه «روزی سید هنگامی که تازه به اصفهان آمده بود هنگام نهدی از منکر عده‌ای که مشغول لهو و لعب بودند، دچار گرفتاری می شود و اشرار او را حبس می کنند و کمی بعد با واسطه میرمحمدحسین خاتون آبادی امام جمعه اصفهان آزاد می شود.»<sup>۲۲</sup> اما وی دست بردار نبود و هر جا می دید حکم شرع مبین باید عمل گردد، بدون اندک تأملی به اجرای آن می پرداخت.

تتکابنی مؤلف قصص العلماء داستانی از اجرای حدود شرعی استاد خود را چنین بیان می کند که سید روزی بر در دکان نانوايي از شاگرد نانوا می شنود که امر خلافی انجام داده و طبق موازین شرع حکم آن عمل خلاف، قصاص نفس بوده است. سید از شاگرد می پرسد که تو چنین نکرده‌ای و آن شاگرد تأکید می کند که خود او در کمال هوشیاری و بیداری چنین عملی را انجام داده است و وقتی سید برای سومین بار اقرار را از او می گیرد به خانه رفته شمشیر خود را برمی دارد و به دکان آمده و حد شرعی را بر او جاری می کند، مأمورین حاکم سید را گرفته به زندان می برند و علت قتل را جويا می شوند، سید جواب می دهد؛ مجتهد بودم و در حضور من سه بار اعتراف به معصیت کرد و من حکم شرع را در مورد او اجرا کردم. در مورد اجتهاد سید از سیدمحمد کربلایی، معروف به مجاهد سؤال می کنند که پس از تأیید اجتهاد توسط مجاهد، شفتی آزاد می شود.<sup>۲۳</sup> در روضات الجنات در مورد افرادی که به دست شفتی قصاص شده‌اند آمده است: «بلغ ما قتله -رحمة الله- فی سبیل ربه تبارک و تعالی من الجنة او الجفأة او الزناة اوالمحاربين او اللاطين زمن ریاسته للدين ثمانين او تسعين و قيل مائة و عشرين اغلبهم مدفونين فی المقبرة الواقعه بسباب داره المعروفة بقبلة الدعاء»<sup>۲۴</sup> همچنین مدرس تبریزی در ریحانة الادب آورده: «کسانی که به حکم شرع مقدس اسلامی در دست خود او و یا به حکم او کشته شده‌اند هشتاد یا نود یا صد و بیست تن می باشند.»<sup>\*\*</sup>

سید حجة الاسلام، قتل هر که را واجب شرعی می دانست خود خدمتکاری داشت که گردن می زد و حد را اجرا می کرد. اجرای حدود به دست ایشان باعث ایجاد آرامش و امنیت در منطقه اصفهان شده بود و متجاوزین از تعدی به جان و مال مردم ابا داشتند؛ زیرا که سید حدود الهی را تمام و کمال اجرا می کرد. جابری انصاری در تاریخ اصفهان در زمینه آرامش حاصل از اجرای حدود شفتی می نویسد: پیش از ورود آن عالم ربانی به اسپهان از اشرار و الوار و لوطی‌گری محشری برپا بود. حکومت و سلطنت را وقتی نمی گذاشتند چنانکه گویند حاج هاشم خان لبنانی اگر دختری را از درب خانه او برای داماد می بردند، می فرستاد پرده بکارت او را برداشته بعد به خانه شوهر فرستاده. خونهای ناحق ریخته می شد که ضعف اعضای دولت، قصاص نتوانستند. هرج و مرج، شهر و آن نواحی را فرا گرفته آن مؤمن غیور [شفتی] برای تکلیف الهی و حیات بشری بعضی را که قتل عمد نموده نزد او آوردندی پس از ثبوت شرعی و اقرار قاتل، توبه داده و قصاص فرموده و ایالتی امن شده و حفظ خون و مال و ناموس برقرار و گواه این سخن: الوار اصفهان پس از رحلت آن بزرگوار [گستاخ شده] تا جایی که میرزا تقی نایینی وزیر را شب در خانه‌اش رفته کشتند و پدرش با منصب انشای خاص محمدشاه قصاص نتوانست در یک هزار و دویست و شصت و سه.<sup>۲۵</sup>

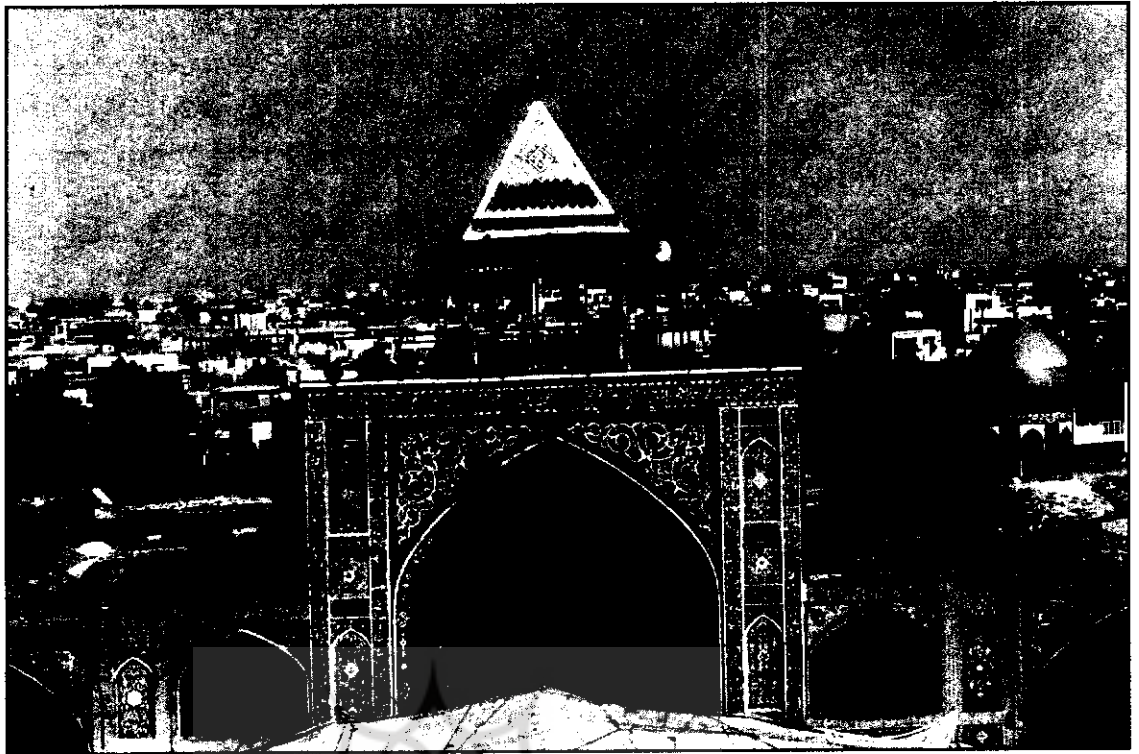
۲۲- محمدعلی معلم حبیب‌آبادی، مکارم الآثار، ج ۵، انتشارات اداره فرهنگ و هنر اصفهان، بی تا، ص ۹۵۹.

۲۳- قصص العلماء، ص ۱۳۷.

۲۴- روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، ص ۱۰۱.  
\* - آنچه که او کشت - خداوند او را رحمت کند - در راه پروردگارش که بزرگ و بلندمرتبه است از جانبیان و جفاکاران و زناکاران و محاربین و انسان‌های بی سر و پا در زمان ریاستش بر دین بر ۸۰ یا ۹۰ نفر یا حتی گفته شده ۱۲۰ نفر رسیده است. در حالی که اغلب ایشان در گورستان واقع شده در نزدیکی خانه او به نام قبله دعا دفن شده‌اند.

\*\* - محمدعلی مدرس تبریزی، ریحانة الادب فی تراجم المعروفين بالکنية و اللقب، چاپ دوم، چاپخانه شفق، تبریز، بی تا، ص ۲۸.

۲۵- حسن جابری اصفهانی، تاریخ اصفهان، ترتیب و تصحیح و تعلیق جمشید مظاهری (سروشیار)، انتشارات مشعل، اصفهان، ۱۳۷۸، صص ۳۱۲ و ۳۱۳.



ایوان شمالی مسجد سید (سمت راست گنبد مقبره سید حجة الاسلام شفتی)

### نگاهی به ثروت حجة الاسلام شفتی

حجة الاسلام شفتی بعد از ورود به اصفهان و اجرای حدود شرع و با توجه به شخصیت علمی و فقهی اش به عالم مشهوری بدل گشت و افراد متمول از دوردست‌ها برای پرداخت وجوهات خود به او مراجعه می‌کردند. به طوری که در مدت کوتاهی اموال و املاک زیادی در اختیار وی قرار گرفت و باعث شد افسانه‌های زیادی در باب ثروت او بیان شود. عده‌ای او را دارای علم کیمیا دانسته، معتقد بودند که سید با دست خود کاغذ را تبدیل به پول می‌کند. مؤلف *قصص العلماء* که از شاگردان شفتی بوده، ثروت استاد خود را شامل این موارد می‌داند: «خانه‌اش مشتمل بر دو رو بود و بیوت بسیار داشت. هفت پسر داشت، هر یک اندرونی و بیرونی علی حده و مخارج ایشان جدا بود و فرزند اکبرش آقامیرزا زین‌العابدین در اصطبل خود هفده رأس اسب خوب بسته داشت و عیال حجة الاسلام قطع نظر از پسران و عیال ایشان صد نفر در شمار آمده بود. از خادمان و کنیزان و زنان و قرا و ضیاء و عقاربی اندازه داشته‌اند. در شهر اصفهان گویا چهارصد کاروانسرا از مال خود داشت. گویا زیاده از دو هزار باب دکا کین داشت و یکی از

قرای او در اصفهان، کروند بود که نهصد خروار برنج مقرر می‌انجا بود قطع نظر از گندم و جو و حبوبات دیگر. و یک باب آسیا در نجف‌آباد داشت که مستمراً روزی یک تومان اجاره آن بود و هکذا و املاکی در بروجرد داشت حد اقل [عیادات] آن هر سالی تقریباً شش هزار تومان بود و املاکی که در یزد داشت سالی دو هزار تومان بود و دهاتی که در شیراز داشت سالی چند هزار تومان مداخل آنها بوده مجملاً سالی هفده هزار تومان مالیات دیوانی دهات آن جناب در اصفهان بود که به دیوان می‌رسید.<sup>۲۶</sup> اگر مقدار ثروتی را که تنکابنی در مورد استاد خود آورده مبالغه و گزاف بدانیم باز نشان از فراوانی ثروت شفتی دارد.

قبل از پرداختن به ثروت وی باید یک نکته را ذکر کرد که همه این املاک و دارایی‌ها را نباید ثروت شخصی او تلقی نمود. شفتی مالک همه این ثروت نیست، بلکه توزیع‌کننده آن در بین فقرا و مستمندان می‌باشد و نیابت عامه حضرت ولی عصر (عج) سبب می‌شود اموال عمومی در اختیار وی باشد و شفتی این

۲۶- *قصص العلماء*، ص ۱۴۱.

## تحلیلی بر نامه سر جان مکنیل

### به حجة الاسلام شفتی و جواب او

شفتی نماد برجسته و مشخص قدرت علما در دوره قاجاریه محسوب می‌شود، گسترش قدرت طبقاتی که خواه‌ناخواه با حاکمیت سیاسی مشکلاتی پیدا می‌کرد، زیرا نه سلاطین قاجار به‌عنوان فرمانروایان کشور و نه علمای دین به‌عنوان سرچشمه مشروعیت، حاضر به تسلیم در مقابل یکدیگر بودند. این کشاکش درونی تا زمانی ادامه می‌یافت که کشور با مسأله حاد خارجی روبه‌رو نشود. در این صورت تأیید سلاطین قاجار از طرف علما در شرایط حساس سیاسی کشور یعنی آن زمان که کشور را خطر استعمارگران و قدرتهای بیگانه تهدید می‌کرد و یا به مرزها و حدود نفوذ مملکت دست‌اندازی می‌شد به حمایت از سلاطین بدل می‌گردید.<sup>۳۱</sup> شفتی از زمره روحانیانی است که در عین حالی که حکومت محمدشاه قاجار را مشروع نمی‌دانست با اقدامات خود این امر را به شاه گوشزد می‌کرد، اما موقعی که پای منافع کشور در برابر تهاجم و تسلط بیگانگان به میان می‌آید، از محمدشاه حمایت می‌کند. این حمایت در مسأله هرات و لشکرکشی محمدشاه به هرات روی داد. مکنیل وزیرمختار انگلیس در ایران پس از محاصره شدن هرات به‌دست نیروهای ایرانی و اولتیماتوم انگلیس به ایران در سال ۱۲۵۳ ه. ق نامه‌ای از زنجان به حجة الاسلام شفتی در اصفهان می‌نویسد و به توجیه اهداف انگلستان از وارد کردن قشون به جنوب ایران می‌پردازد. سید حجة الاسلام در برخورد با نامه مذکور، ابتدا به تفکیک محتوای آن پرداخته و مسائل مطرح شده در نامه را تک‌تک پاسخ می‌دهد. شفتی در این نامه لشکرکشی محمدشاه به هرات را با دلایل عقلی و فقهی تأیید نموده به حمایت از عمل محمدشاه می‌پردازد، اما جهت حفظ کشور سعی دارد از بروز جنگ بین ایران و انگلستان جلوگیری

اموال و دارایی‌ها را توزیع نماید. با وجود این وی فردی متمول بود و دارایی و ثروت زیادی از خود داشت. تمکن مالی وی این پرسش را در ذهن ایجاد می‌کند که سید شفتی این همه ثروت را از کجا آورده است؟ و منابع این ثروت کدام اند؟ او که در بدو ورود به اصفهان غیر از یک جلد کتاب و یک سفره هیچ نداشت، این همه ثروت را از کجا به‌دست آورده است؟ منابع تأمین‌کننده ثروت شفتی را این‌گونه برشمرده‌اند:

۱- وجوهات شرعی که از سراسر ایران و بعضاً خارج از ایران برای او می‌رسید و مقدار آن هم زیاد بود.

۲- وبای سال ۱۲۴۷ ه. ق در ایران به‌خصوص در شمال کشور، به‌طوری که در رشت هفتاد هزار نفر مردند و چون وارثی نداشتند اموال آنها سهم امام محسوب می‌شد و به شفتی که بزرگترین دریافت‌کننده سهم امام در آن دوران بود، می‌رسید.

۳- «یکی از خوانین شفت، تنخواهی جزاف به نزد آن‌جناب فرستاد که قدر معینی از آن‌جناب و مادام‌الحیوة مالکش، آن را به معامله داده آنچه منافع است مال جناب سید باشد و اصل آن تنخواه را بعد از وفات در مصارف معینه مصرف نماید و سید آن مال را به معامله و تجارت داده تا اینکه در اندک زمانی ریح بسیار نمود.»<sup>۲۷</sup>

فوائد الرضویه و اعیان‌الشیعه به تمول شفتی اشاره می‌کنند.<sup>۲۸</sup> سید حجة الاسلام با ثروت فراوانی که در اختیار داشت، در کمک به نیازمندان هم‌گشاده‌دست بود؛ محتاجی به در خانه او نمی‌رفت مگر اینکه دست پر برگردد. نمونه‌هایی از گشاده‌دستی شفتی در منابع مختلف آمده است.<sup>۲۹</sup>

شاید یکی از علل سخاوت و گشاده‌دستی شفتی این بود که شخصاً فقر را تجربه کرده بود: «در نجف اشرف روزی حاجی کلباسی به دیدن سید رفته، دید سید افتاده است، معلوم شد سید از گرسنگی غش کرده. حاجی رفته برای او غذای مناسبی تحصیل کرده بدو خوراندید به حال آمد و سید بحرالعلوم که شدت فقر سید را فهمیده بود اصرار نموده که وقت غذا به خوان او حاضر شود و سید قبول نمی‌کرد.»<sup>۳۰</sup> شفتی هزینه زندگی بسیاری از طلاب را می‌پرداخت. و به مردم فقیر کمک می‌کرد و از خود دو دکان در بازارچه بیدآباد داشت. یکی نانوايي و ديگري قصابي و حدود هزار نفر مستمند مایحتاج روزانه خود را از این دو مغازه تأمین می‌کردند.

۲۷- قصص العلماء، همان.

۲۸- فوائد الرضویه، ص ۲۲۹ و اعیان‌الشیعه، ص ۱۱۱.

۲۹- بیان المفاخر، ص ۱۴۶-۱۳۹.

۳۰- عبدالکریم گزی، تذکرة القبور، به کوشش ناصر باقری بیدهندی، کتابخانه مرعشی‌نجفی، قم، زمستان ۱۳۷۱، ص ۸۲.

۳۱- غلامحسین زرگری‌نژاد، رسائل مشروطیت (۱۸ رساله و لایحه درباره مشروطیت)، کویر، تهران، ۱۳۷۴، ص ۷۰ مدخل.

به عمل آورد. در این نامه مکنیل علل خروج خود را از ایران، لشکرکشی ایران به هرات که خلاف معاهده بین دو دولت بوده، ذکر کرده است. وی همچنین وانمود می‌کرد بی‌حرمتی و اهانت نسبت به شخص او در اردوی محمدشاه از دیگر دلایل خروجش از ایران می‌باشد.

حجة الاسلام شفتی در جواب نامه مکنیل ابتدا شرحی از حمله محمدشاه به هرات را بیان کرده، در دلایل این حمله می‌نویسد: «... اهالی ترکستان بر بندگان خالق جهان از اهل خراسان ظلم و عدوان می‌نمودند... رجال و نساء و صبایا و اطفال برخی را می‌کشتند و بقية السیف را در کمال شدت و اذیت با مال و اموال اسیر کرده دستگیر نموده با جمیع اموال برده...»<sup>۳۲</sup> و در مورد هرات ذکر می‌کند «... در این اوقات ظلم و تعدی را در هرات بر بندگان خالق جهان از حد گذرانید، حتی آنکه بندگان خدا را در دیگ جوشانیده و بعضی را شقه کرده و به انواع سیاستهای دیگر هلاک کردند...»<sup>۳۳</sup> شفتی دفع این ظلم را از سوی محمدشاه عین عدل می‌داند و از مکنیل به صورت تلویحی می‌پرسد که اگر این موارد در کشور شما روی می‌داد انگلستان چگونه برخورد می‌کرد؟ «... هرگاه در سرحدات ممالک دولت بهینه امثال این مفاسد روی دهد به هیچ قسم از خود راضی به تکاهل به تسامح نمی‌کردند و کمال اهتمام در رفع امثال این مفاسد می‌فرمایند و چنین نیست که ما از قواعد دولت بهیبه اطلاع نداشته باشیم»<sup>۳۴</sup>.

سید حجة الاسلام به دفاع از لشکرکشی محمدشاه پرداخته، می‌نویسد: «پس عمل امنای دولت علیه نظر به اینکه مقتضای عدل و انصاف است... دولت بهیبه باید این عمل را مدح و وصف کنند نه اینکه کاره باشد.» وی بعد از دفاع از عمل دولت ایران در حمله به هرات، این کار را به هیچ وجه خلاف معاهده بین دو دولت نمی‌داند. شفتی در مورد ادعای بی‌حرمتی افراد اردوی شاه نسبت به مکنیل، افراد اردوی شاه را به چند دسته تقسیم می‌کند و بی‌حرمتی فردی از افراد اردوی شاه را ناشی از بی‌حرمتی شاه نمی‌داند و در ادامه می‌آورد: «از شخص که بی‌حرمتی صادر شد دخلی به رجال دولت ندارد چه در رکاب همایون و اردوی میمون اشخاص متفاوت‌المراتب می‌باشند»<sup>۳۵</sup> و از وزیرمختار می‌خواهد که نسبت به عمل یک فرد از اردوی شاه اغماض کند و آن را ناشی از عمل دولت و کشور نداند. مکنیل در ادامه نامه، خدمات خود را به دولت ایران

یادآور شده و از اینکه به حرف او مبنی بر عقب‌نشینی از هرات توجهی نگردیده، اظهار ناراضیتی کرده بود، متعاقباً حجة الاسلام جواب می‌دهد که خواهش او مبنی بر عقب‌نشینی از هرات با توجه به سابقه خدمات او و قبول این امر از سوی شاه ممکن نمی‌باشد و ذکر می‌کند «به ملاحظه اینکه قبول این امر منافعی با قواعد سلطنت و مناقض با انتظام امر مملکت و خلاف مصلحت دولت می‌یافته‌اند نکول می‌فرموده‌اند»<sup>۳۶</sup> سپس با تأکید بیشتری می‌نویسد: «قبول نظر شما را نباید نشانه دوستی و احترام و نکول را، علامت مملکت‌داری و انتظام باید دانست»<sup>۳۷</sup>.

نامه مکنیل در این قسمت لحنی توهین‌آمیز دارد و عدم قبول نظرش را ناشی از عدم استقامت مزاج و ایماء بر فتور رأی می‌داند. او در ادامه نامه‌اش به شفتی می‌آورد که: در حین مراجعت از اردو خبر رسید و امنای دولت اعلام کرده بودند که جهازات جنگی دولت بهیبه مأمور و وارد بحر فارس کردند که هرگاه امنای دولت علیه ایران مطالب عدالتانه دولت را در این دوستی به عمل نیاورند به طریق دیگر مطالبه عمل آوردن مطالب بشود»<sup>۳۸</sup> شفتی در پاسخ به این قسمت از نامه مکنیل با لحن تندتری جواب می‌دهد «مطالب عدالتانه کدام و چاره کار ایشان چیست و کدام خلل و فساد در امور مملکت یا سلطنت دولت بهیبه رو خواهد کرد که ناچار به اقدام خصومت شوند، یا کدام خلل و فساد روی داده که ناچار باید به چاره کار خود بکشند و مخاصمه و مجادله دولت علیه را با اهالی سرحدات ترکستان چه مناسبت با ممالک دولت بهیبه...»<sup>۳۹</sup>.

سید حجة الاسلام در جواب وزیرمختار به لزوم حفظ هرات برای حفظ هند که از سیاست‌های اصلی دولت انگلیس بوده توجهی نداشته و از سیاست جهانی انگلستان در آسیا - حفظ هندوستان - آگاهی چندانی نداشته است. مکنیل در قسمت دیگری از نامه با فراست تمام، جنگ احتمالی انگلستان را جنگ علیه دولت و نه

۳۲- خان ملک ساسانی، سیاستگران دوره قاجاریه، انتشارات

هدایت باکمک انتشارات بابک، تهران، ۱۳۵۲، صص ۱۳۴-۱۳۳.

۳۳- همان، ص ۱۳۴. ۳۴- همان.

۳۵- همان، ص ۱۳۵.

۳۶- سیاستگران دوره قاجاریه، ص ۱۳۶.

۳۷ و ۳۸ و ۳۹- همان، صص ۱۲۹ و ۱۳۷.





آرامگاه سید حجة الاسلام در شمال شرقی مسجد سید

نمی‌رسید در نزد رجال انگلوفیل و سرسپرده، حکم فرمان و دستور داشته است و آنان در ایجاد بلواها و شورشهای داخلی چه دخالتها که نمی‌کردند. بررسی کوتاهی از وقایع و فتنه‌های داخلی بعد از ماجرای هرات که در اکثر منابع دوره قاجار ذکر شده است مبین این سیاستهای استعمار خواهد بود. ولیکن حجة الاسلام که از اهداف استعماری انگلستان مطلع بود در نامه‌ای که به تاریخ ۱۲ جمادی الثانی ۱۲۵۴ ه. ق نوشته از سیاست شاه پشتیبانی کرده است که محمدشاه این جواب را تکثیر کرد و به همه ایالات فرستاده<sup>۴۵</sup> و این عمل شاه نشان می‌دهد از جواب سید رضایت داشته است.

۴۰- سیاستگزاران دوره قاجاریه، ص ۱۳۰.

۴۱ و ۴۲ و ۴۳ و ۴۴- همان، ص ۱۳۱ و ۱۳۸ و ۱۳۹.

45- Meneil to Palmerston, Tehran, 20Th Jan, 1837, I.O.S.58

به نقل از منصوره اتحادیه، گوشه‌هایی از روابط خارجی ایران،

چاپ اول، انتشارات آگاه، تهران، پاییز ۲۵۳۵، ص ۹۸.

ملت ایران می‌داند و این طور وانمود می‌کند که «بعد از آنکه امنای دولت علیه ایران امنای دولت بهیة انگلیس را مضطر و لاعلاج کردند که بنای بی‌عدالتی و خصومت را گذارند با دولت علیه ایران، به‌هیچ‌وجه متعرض و مزاحم اهل بلاد ایران نخواهند شد و در مقام عناد و دشمنی با جمیع اهل بلاد ایران برنخواهند آمد. امنای دولت بهیة را هر حرف و تکلیفی که در میان است با امنای دولت علیه ایران خواهد بود و هیچ‌گونه دخلی به رعایای این مملکت نخواهند داشت»<sup>۴۰</sup>.

مکنیل در پایان نامه با شیطنت انگلیسی خود می‌نویسد: «چون مراتب از لوازم بود مصدع احوال رحمت اشتمال آمد باقی قوام دین مبین و قواعد شرع متین به انوار و تقوا و آثار حکم و فتوای آن شریعت پناه مرتفع و معلی باد»<sup>۴۱</sup>.

مکنیل با این بیان خود در صدد به دست آوردن فتوایی از حجة الاسلام شفتی مبنی بر عدم حضور مردم در جبهه هرات بوده و اینکه گفته است دولت انگلستان با مردم ایران دشمن نیست و درجنگ علیه مردم اقدامی نخواهد کرد، برای دست یافتن به فتوا بوده است. شفتی در جواب این قسمت از نامه با زیرکی خاص روحانیت و درک اهداف مکنیل پاسخ می‌دهد: «مقصود شما از مطلع ساختن این خادم شریعت مطهره بر مطالب مرقومه محض مطلع ساختن نبوده و نیست بلکه مقاصدی در نظر گرفته‌اید...»<sup>۴۲</sup> و مکنیل را برای حل و فصل دعوای دو دولت به اولیای امور دولتی رجوع می‌دهد: «استحکام اساس مودت موقوف به رجوع به امناء دولت علیه است»<sup>۴۳</sup>. ولیکن به مکنیل اطمینان می‌دهد که نظرات خود را برای دولتیان بنویسد، ولی تصمیم قطعی را بر عهده دولت می‌گذارد: «مطالبی که مصلحت دانیم معروض رای بندگان ظلّ اللّهی صان‌اله شوکته عن‌التناهی و مکشوف ضمیر امنای دولت اسلام‌پناهی خواهیم داشت تا اشارت علیه چه رود و رجال دولت علیه چه نحو مصلحت دانند و چه مقرر فرمایند...»<sup>۴۴</sup>.

لازم به ذکر است این نامه یکی از صدها اقدامی محسوب می‌شود که انگلستان در جهت برهم زدن قدرت حکومت محمدشاه و تضعیف اساس حکومت ایران و ایجاد بلواهای درونی در ساختار حکومت قاجار انجام داده است و از آنجایی که این نوع سیاستها فقط یک جنبه و یک مقصودی نیست، می‌توان حدس زد این نوع اقدامات اگر در موردی این چنین به مقصود

همزمان با روی کار آمدن قاجاریه،  
پیروزی مکتب اصولی بر اخباری رخ داد  
که به وسیله محمدباقر بهبهانی مشهور  
به وحید به انجام رسید. در این زمان

علمای اصولی بسیار قدرتمندی در حوزه‌ها  
حضور داشتند و به وسیله اصل اجتهاد  
با اکثریت مقلدین خود در ارتباط بودند  
و مقلدین بیش از آنکه از شاه اطاعت کنند،  
تابع نظرات مرجع تقلید خود بودند.

### بنای مسجد سید اصفهان

شفتی به سال ۱۲۴۵ ه. ق بنای مسجد عظیمی را در  
محلّه بیدآباد اصفهان گذاشت که آن را بعدها به نام او  
مسجدسید نامیدند. شکوه و جلال کنونی مسجد  
حکایت از عظمت گذشته آن و همت بانی بنا می‌کند.  
وی همچنین در جبهه شمال شرق و شرق و شمال  
غرب مسجد، دو بازارچه تأسیس می‌کند. به طوری که  
سردر مسجد، بازارچه را قطع می‌کند. کتیبه بالای سردر  
ورودی سال ۱۲۶۰ ه. ق را نشان می‌دهد و این سال  
وفات شفتی هم می‌باشد و نشان می‌دهد که اتمام  
مسجد با فوت بانی آن همزمان اتفاق افتاده است. تعدّد  
کتیبه‌های مسجد حاکی از تعمیر آنها در دوره‌های بعد به  
دست افراد خیر می‌باشد.

قبر مرحوم شفتی در جبهه شمال شرقی مسجد  
می‌باشد و راه ورودی به مقبره از طریق بازارچه بیدآباد  
می‌باشد. این بنا یگانه مسجد بزرگ اصفهان است که نام  
هیچ پادشاه یا امیری در کتیبه‌های آن نیامده است. در  
تمام کتیبه‌ها آیاتی از سوره‌های اسری، رعد، ابراهیم،  
مؤمنون، ماعون، قلم، قدر، کوثر، جمعه، یس و بقره به  
چشم می‌خورد. در برخی از کتیبه‌ها، مدح بانی مسجد  
آمده است. فتحعلی‌شاه قاجار هنگام احداث مسجد از  
حجّه‌الاسلام خواهش کرد اجازه دهد شاه در هزینه مسجد  
شریک شود ولیکن وی نپذیرفت. این بنای عظیم را - اگر  
نگوییم وجودش مشروعیت حکومت را مورد خدشه  
قرار می‌داد - باید با تأکید ذکر کنیم نماد قدرت رو به  
تزايد روحانیت در دوره قاجاریه و از تجلیات حکومت  
فقهی حجّه‌الاسلام سید محمدباقر شفتی (ره) در منطقه  
مرکزی ایران خاصه در اصفهان می‌باشد.

### منابع

اتحادیه، منصوره. گوشه‌هایی از روابط خارجی ایران. چاپ  
اول، آگاه، تهران، پاییز ۲۵۳۵.

الامین، محسن. اعیان الشیعه، حقیقه و اخرجه حسن الامین،  
الجزء الرابع و الاربعون، مطبعة الانصاف، بیروت، ۱۹۵۹.

الگزار، حامد. دین و دولت در ایران (نقش علما در دوره  
قاجاریه)، ترجمه ابوالقاسم سزّی، چاپ دوم، طوس، تهران،  
بهار ۱۳۶۹.

الموسوی الخوانساری الاصفهانی، محمدباقر. روضات  
الجنات فی احوال العلماء و السادات، مکتبه اسماعیلیان، قم،  
بی‌تا.

تسکابنی، میرزاحمد. قصص العلماء، انتشارات علمیّه  
اسماعیلیه، بی‌جا، بی‌تا.

جابری انصاری، حسن. تاریخ اصفهان. ترتیب و تصحیح و  
تعلیق جمشید مظاهری (سروشیار)، انتشارات مشعل،  
اصفهان، ۱۳۷۸.

حبیب‌آبادی (معلم)، محمدعلی. مکارم الآثار، ج ۵، انتشارات  
اداره کل فرهنگ و هنر اصفهان، اصفهان، بی‌تا.

زرگری‌نژاد، غلامحسین. رسائل مشروطیت (هیجده رساله و  
لایحه درباره مشروطیت)، کویر، تهران، ۱۳۷۴.

ساسانی، خان‌ملک. سیاستگران دوره قاجاریه، انتشارات  
هدایت با کمک انتشارات بابک، تهران، ۱۳۵۲.

شریف‌رازی، محمد. گنجینه دانشمندان، جلد پنجم، چاپخانه  
پیروز، قم، زمستان ۱۳۵۳.

قسی، عباس. فوائد الرضویه فی احوال علماء المذهب  
الجعفریه، کتابفروشی مرکزی، تهران، ۱۳۲۷.

گزّی، عبدالکریم. تذکرة القبور، به کوشش ناصر باقری  
بیدهدنی، کتابخانه مرعشی نجفی، قم، زمستان ۱۳۷۱.

مجله یادگار، سال پنجم، شماره دهم.

مدرس تبریزی، محمدعلی. ریحانة الادب فی تراجم  
المعروفین بالکتبه و اللقب، چاپ دوم، چاپخانه شفق تبریز،  
تبریز، بی‌تا.

مهدوی، مصلح‌الدین. بیان المفاخر، جلد اول، انتشارات  
مسجدسید اصفهان، چاپ اول، اصفهان، ۱۳۶۸.

مهدوی، مصلح‌الدین. تذکرة القبور، کتابفروشی ثقفی، اصفهان،  
۱۳۴۸.

